

چرخش سبب تاریخ سرزمین افغان‌ها

■ افغانستان در سال ۱۲۹۸ توانست از ایران مستقل شود. استقلالی که دبری نپایید، زیرا از همان سال به بعد افغانستان به حوزه علاقمندی‌های انگلیس پیوست، به گونه‌ای که در ظرف کمتر از یک‌سال این کشور دو مرتبه توسط ارتش انگلیس اشغال شد. اما این اشغالگری‌ها هم عمری نداشت‌ه زیرا با گذشت اندک‌مدتی، افغان‌ها در همان سال ۱۲۹۸ استقلال خود را از انگلیس اعلام کردند، استقلالی که توسط امان‌الله‌خان میسر شد اما به خود امان‌الله‌خان وفاپی نکرد؛ چون با شورش قبایل بنیادگرا به رهبری حبیب‌الله کلکانی، امان‌الله‌خان تاج و تخت را رها کرد و به هند متواری شد. تاج و تخت نو رسیده حبیب‌الله‌خان نیز زود از صاحب جند خود دلزده شد و شورش قبایل جنوبی به رهبری نادرخان، این تاج و تخت را با خون صاحب خود رنگین کرد. رهبران شورشیان جنوبی هم از دوران قدرت خود لذتی نبرد چون خود در سال ۱۳۱۲ هنگام بازدید از یک مدرسه به ضرب گلوله کشته شد و از آن پس سلطنت به برادرزاده ۱۹ساله او، محمدظاهر شاه رسید. حکومت محمدظاهر شاه پس از ۱۱ سال از تاریخ ۱۳۴۳ به وسیله کودتایی که توسط پسرعموی او محمدداوودخان صورت گرفت، ساقط شد. اما این حکومت ۱۵ساله برای افغانستان خالی از لطف نبود و شاید بتوان گفت بزرگ‌ترین ثمره این ۱۵سال به عضویت سازمان ملل متحد در آمدن افغانستان بوده است.

سردار محمدداوود که پیشتر دو دوره صدراعظم وی بود، در آن سال با استفاده از غیبت شاه و با همکاری شماری از افسران ارتش دست به یک کودتای بدون خونریزی زد و با اعلام پایان نظام شاهی، نخستین نظام جمهوری افغانستان را بنیان گذاشت. طرح کودتا بر دو محور متکی بود، اول دستگیری همزمان تمامی کسانی که ممکن بود مانع اجرای کودتا شوند و دوم تسلط فوری بر مرکز تلفن و رادیو کابل تا همزمان مراکز تلفن و رادیو را در کنترل خود بگیرند و تماس تلفنی مقامات دولتی را قطع کنند. در اولین حرکت، یک دستگاه بی‌سیم اردو توسط حسن شرق به منزل محمدداوود انتقال پیدا کرد و در ساعت یکونیم شب ۲۶ تیر، دستور کودتا توسط محمدداوود صادر شد. داوودخان اولین حکومت جمهوری در افغانستان را به مردم تبریک گفت و رژیم پادشاهی را رژیم افسارگسیخته و دموکراسی متکی بر قانون اساسی را دموکراسی قلابی خواند و جمهوری و دموکراسی واقعی را به مردم کشورش وعده داد.

در زمان کودتا، ظاهرشاه در شهر نابل ایتالیا بود. و چند روز بعد نوراحمد اعمادی سفیر افغانستان در ایتالیا که همواره نقش میانجی را بین او و داوودخان بازی می کرد، به شاه پیشنهاد می‌کند که از سلطنت استعفا داده و کودتای داوودخان را به رسمیت بشناسد تا در عوض، داوودخان نیز خانواده او را به رم بفرستد.ظاهرشاه نیز پیشنهاد را می‌پذیرد و نامه‌ای برای داوود می‌فرستد که آغاز آن با عبارت «برادر رئیس‌جمهور» همراه بود و با عنوان «ظاهر، شاه سابق افغانستان» خاتمه یافت. سردار داوود نیز با دریافت این نامه، خانواده‌ظاهر را راهی ایتالیا کرد. جمهوری داوودخان نیز پنج‌سال بعد در اردیبهشت ۱۳۵۷ با کودتای دیگری توسط افسران چپگرای ارتش به پایان رسید. کودتایی که با کشته‌شدن داوودخان و اعضای خانواده‌اش و شمار زیادی از طرفدارانش به پیروزی رسید.کودتاچیان از اعضای حزب دموکراتیک خلق بودند، حزبی که پس از روی کار آمدن با جبهه گسترده‌ای از مخالفان روبه‌رو شد و به همین روی از قبله ایدئولوژیک خود، شوروی درخواست کمک کرد، در خواستی که افغانستان را به ۹سال جنگ با بر قدرت دنیا کشاند؛ جنگی که یک سوی آن جمهوری دموکراتیک افغانستان و شوروی بود و سوی دیگر آن مجاهدین و داوطلبان عرب تشکیل می‌دادند. در حقیقت این درخواست کمک کودتاچیان شوروی را به ویتنامی سرخ کشاند و خسارتی در حدود دومیلیون کشته و حدود ۱۰ میلیون آواره و مهاجر را برای افغانستان به جا گذاشت. این حزب چهار رئیس‌جمهور (به‌جای یک، کارمل، نجیب) را تجربه کرد. حزب دموکراتیک خلق که با مقاومت همگانی مردم موسوم به جهاد و سال‌ها جنگ روبه‌رو شد، طی ۱۴سال حاکمیت خود فقط در پایتخت و مراکز استان‌ها حکومت راند و در سال ۱۳۷۱ به وسیله مجاهدین به سباصت حکومتش برچیده شد. مجاهدین که در اردیبهشت ۱۳۷۱ قدرت را از بارم‌اندگان حاکمیت خلق و پرچم تحویل گرفتند، حدود چهارسال همراه با جنگ‌های خونین داخلی در افغانستان حکومت کردند. آنان سرانجام در سال ۱۳۷۵ به وسیله طالبان از کابل و بسیاری از نقاط دیگر افغانستان رانده شدند و از ۱۳۷۳ تا اواخر سال ۱۳۸۴ با عقاید بنیادگراانه خود در افغانستان حکومت راندند و تا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که آمریکا و همپیمانانش به افغانستان حمله کرده با همکاری جبهه متحد شمال حکومت به طالبان خاتمه دادند. در این مدت فردی به نام ملا محمدعمر رهبری حکومت طالبان را به عهده داشت. پس از سقوط طالبان حامد کرزای در راس حکومت افغانستان در سه دوره (موقت، انتقالی و انتخابی) قرار گرفت که طبق قانون اساسی افغانستان در این دوران دارای اختیارات ویژه‌ای برای بازسازی این کشور است، کشوری که از جنگ داخلی و هجوم خارجی تا کودتا و انواع مصیبت‌ها را به جز فوران آشفشان به خود دیده است.

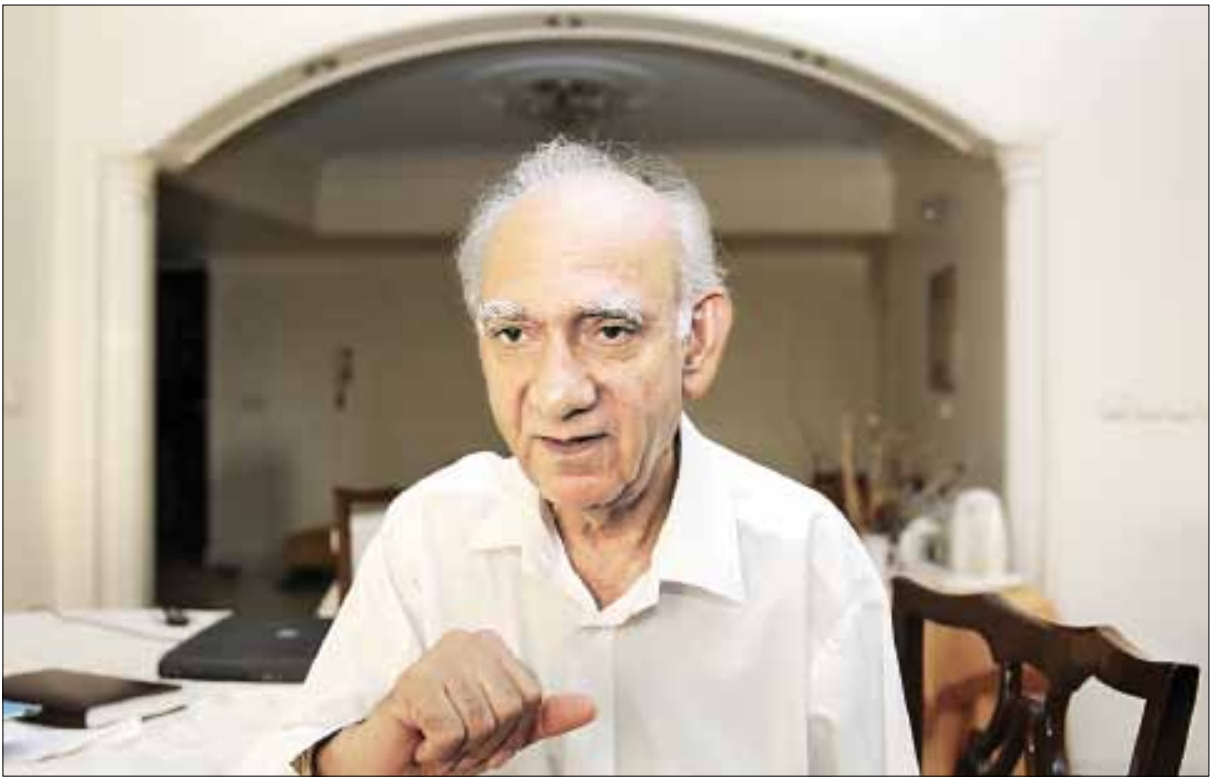
افغانستان، سرزمین آه افغان، سرزمین طالبان، سرزمین جنگ، موادمخدر و مردمان آه‌نیا؛ این روزها همه چشم‌ها به این کشور دوخته شده است. گویا سرانجام جامعه جهانی اراده‌ای جدی برای ایجاد یک تفسیر بزرگ و ساختاری در این کشور دارد. امید از هر سو به مردمان این کشور تزریق می‌شود، هرچند مشکلات افغانستان گاهی بزرگ‌تر از آن به نظر می‌آیند که قابل حل شدن باشند، اما به نظر می‌رسد روند رشد این کشور در عرصه‌های مختلف، صعودی است. اگرچه حضور طالبان، موادمخدر، فقر و فساد مالی در دستگاه‌های دولتی از جمله مشکلات بزرگ در افغانستان امروز هستند اما بنابر آمار بانک جهانی، اقتصاد افغانستان تنها در دهه آینده به صورت فزاینده روبه‌رشد خواهد بود. بانک جهانی اعلام کرده است افغانستان تا سال ۲۰۲۵ سالانه بین پنج تا هفت درصد رشد اقتصادی خواهد داشت. همچنین کمک‌های مالی بین‌المللی به سوی افغانستان روانه و جهان به فردای افغانستان امیدوار است. پیرمحمد ملازی، کارشناس امور افغانستان و شبه‌قاره در گفت‌وگو با «شرق» مشکلات فراوان این کشور را یادآور می‌شود اما در نهایت آینده را در این کشور روشن ارزیابی می‌کند. ملازی درباره فعالیت زنان در افغانستان معتقد است بانوان افغانی با همه مشکلات و تبعیض‌ها، طی چند سال گذشته توانسته‌اند مناسبات مرانه در افغانستان را بر هم بزنند و قصد بازگشت به خانه را ندارند.

جهان

تحلیل پیرمحمد ملازی از چشم‌انداز آینده افغانستان

مبارزه با فساد دولتی، پیش شرط توسعه

فریبا پژوه



عکس: آیدین رهبر شرق

بنشیند اما هر آن به دنبال روزنه‌ای برای کسب همه قدرت است و برای این مساله ادعای تاریخی و مذهبی قوی ایدئولوژیک دارد. نگاه طالب در نهایت حکومت بر سراسر جغرافیای افغانستان و کسب قدرت مرکزی است.

■ **آیا فادرالیسم در افغانستان قابل اجراست؟**

عبدالله‌عبدالله نامزد ریاست‌جمهوری افغانستان، بیشتر به‌این مساله پرداخته بود و سعی داشت نظام ریاستی را در افغانستان برهم بزند. به نظر من، اما فدرالیسم پیش‌درآمد تجزیه افغانستان خواهد بود. در افغانستان‌ای امکان جدایی بلوچ‌ها و پشتون‌ها و سایر اقوام به صورت بالقوه وجود دارد. در حال حاضر و با شرایط کنونی نیاز به یک دولت مرکزی سالم و مقتدر دارد و فدرالیسم نمی‌تواند راهکاری مناسب جهت حل و فصل مشکلات امروز افغانستان باشد.

■ **طی سال‌های متدای و طولانی جنگ‌های خارجی و داخلی در افغانستان، زنان و کودکان قربانیان اصلی بوده‌اند، نحوه برخورد طالبان با زنان نیز مشخص و روشن است.**

در حال حاضر و پس از سقوط طالبان، زنان در افغانستان مناصبی قرار دارند و دست‌کم رسانه‌ها حضور آنها را به نمایش می‌گذارند

■ **آیا وضعیت زنان در افغانستان رو به بهبود است یا حضور زنان در عرصه‌های سیاسی و پارلمان افغانستان جنبه نمادین دارد؟**

به نظر می‌رسد پس از سقوط طالبان و حضور نیروهای خارجی در افغانستان و توجه آنان به وضعیت زنان، جایگاه آنها در افغانستان در حال ارتقااست. گاهی نیز تبعیض‌های مثبت برای زنان به نوعی می‌تواند به آنها در جامعه کمک کند. به عنوان مثال در مجلس افغانستان تا ۲۵ تا ۳۰ کرسی باید به زنان برسد و مردها حتی با آرای بیشتر نمی‌توانند کرسی‌های زنانه را تصاحب کنند. البته نباید فراموش کرد که مساله فرهنگی در افغانستان و نوع نگاه آنها و همچنین باورهای قومی – قبیله‌ای وضعیت بد زنان در افغانستان را تثبیت کرده است. به بیان دیگر، تفکر طالبان با تفکر قبایل همخوانی و مطابقت دارد. طالبان، زن را به عنوان یک انسان مستقل به رسمیت نمی‌نشانند. آنها ریاست زن بر مرد را خلاف شرع می‌دانند. به عنوان مثال در تبلیغات خود می‌گویند اگر یک زن در یک اداره رییس باشد، مردان پردست او باید استعفا کنند و اگر این کار را انجام ندهند، فحرام انجام داده‌اند. با این همه به توجه به فعالیت گسترده و تقریباً آزاد رسانه‌ها در افغانستان و فراگیر شدن اینترنت و بالا رفتن تدریجی سطح آگاهی عمومی، سنی‌مذهباند، ازیک‌ها به خاطر پرکردگی جغرافیایی و تنوع قومی داخلی همواره به‌دنبال انتلاف با سایر اقوام بوده‌اند. آنها در دورانی از نزدیکیان احمد شاه مسعود محسوب می‌شدند و در دورای دیگر پارای دیگر از آنان از ابراهای حکومت بنیادگرایان بودند.

دولت است.

■ **با همه آنچه گفته شده، افغانستان همواره با یک مشکل جدی به نام «طالبان» دست به گریبان است. از یک سو طالبان بحث حمایت مالی برخی کشورهای حاشیه خلیج‌فارس هستند و از سوی دیگر نیروهای امنیتی پاکستان از آنان حمایت می‌کنند. آیا به اعتقاد شما طالبان دوباره در افغانستان قدرت مرکزی را به دست می‌گیرند؟**

در مورد طالبان و دخالت پاکستان در شکل‌گیری آن می‌توان به جمله بانویی نظیر بوتو اشاره کرد. او گفته بود که در تولد طالبان، پاکستان نقش هماهنگ‌کننده سیاست‌غربی‌هاو کمک‌های مالی برخی کشورهای عرب را برعهده داشته است. سیاست پاکستان در مبارزه با تروریسم کاملاً دوگانه است. پاکستان همیشه ادعا می‌کرد که از بن‌لادن و محل اختفای او بی‌خبر است. این در حالی است که سرانجام بن‌لادن در افغانستان به مثابه یک توسط آمریکایی‌ها پیدا و کشته می‌شود. همچنین هنوز هم گفته می‌شود که ملا محمدعمر در مسجدی در کوئته پاکستان امام‌جماعت است. به اعتقاد من ISI فلسفه جهادی دارد و معتقد به جهاد است؛ جهاد در کشمیر و افغانستان. بنابراین نقش پاکستان در تقویت و حمایت طالبان در افغانستان کاملاً مشخص است. حتی پاکستان با گلبدین حکمتیار برای ادغام بخش پشتون دو کشور پاکستان و افغانستان به توافق رسیده بودند. همه این‌ها به این مساله دامن می‌زند که طالبان به فعالیت‌های خود برای کسب همه قدرت در افغانستان تلاش کنند.

■ **آیا طرح گفت‌وگوهای صلح در افغانستان می‌تواند تأثیری بر فعالیتهای طالبان داشته باشد؟**

نه من فکر نمی‌کنم تأثیری داشته باشد چراکه طالب تمامیت‌خواه است. ممکن است که مصلحت سر میز گفت‌وگو

بنابراین امنیت در مناطق مختلف افغانستان می‌تواند محصول شغل مطمئن و پایدار دولتی با صنعتی مردم منطقه باشد و به این ترتیب حمایت‌ها از طالبان کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر خواهد شد. ■ بیش از ۸۰درصد مردم در افغانستان در بخش کشاورزی فعال هستند اما طبق آمار، بیشتر زمین‌های زراعی مرغوب در افغانستان تحت کشت خشکشاخ هستند.افغانستان کانون تولید و صدور عمده موادمخدر در جهان است. به نظر شما در شرایط کنونی، آیا در دولت افغانستان اراده‌ای جدی برای مبارزه و کنترل موادمخدر وجود دارد؟

در افغانستان امروزه خود دولت عامل اصلی کشت خشکشاخ و تولید موادمخدر است. نباید فراموش کرد که احمدولی کرزای، برادر رییس‌جمهور افغانستان که چندی پیش در کابل کشته شد، خود یکی از سرسدمداران مافیای بین‌المللی موادمخدر در افغانستان بود. بخش اصلی درآمد طالبان پس از کمک‌های پاکستان، از طریق قاچاق موادمخدر است. طالبان کشورزنان را به کشت خشکشاخ تشویق می‌کنند. این در حالی است که کشوروزان از سود سرشار کشت خشکشاخ و تولید موادمخدر کمترین درآمد را دارند. هرچند طرح‌هایی تحت عنوان کشت، جاگزین خشکشاخ در افغانستان شد، اما در عمل این طرح‌ها ناکام ماند.

■ **نکته**
دنیامتوجه این مساله شده است که کمک‌های مالی بدون استقرار صلح پایدار نمی‌تواند تغییر قابل توجهی در افغانستان به وجود بیاورد. تا زمانی که افغانستان فقیر است، مساله موادمخدر و امکان وجود خشونت جنگ وجود دارد

از مردم افغانستان دوا نمی‌کند. ■ **برخی معتقدند فاصله فبقاتی در افغانستان با سرعت زیادی روبه‌رو شد است، آیا این امکان صحت دارد؟**
ایجاد فاصله فبقاتی در هر کشوری برمبنای سالم یا ناسالم بودن اقتصاد است. اگر روند اقتصادی در افغانستان سالم بوده کسانی که درآمد بالایی داشتند، مالیت خود را می‌برداختند و بر اساس یک سیستم سالم، دست‌کم یک تعادل نسبی در افغانستان حاکم می‌شد. به طور کلی امکان دستیابی به ثروت غیرقانونی در یک سیستم مالی سالم وجود ندارد و این قانون در همه کشورها قابل بسط و گسترش است. در حال حاضر هر فرامده نظامی سابق در منطقه خودش یک فرمانرواست. ودوجه و قدرت نظامی دارد و در عمل، قدرت افغانستان تجزیه شده است و هر فرماندار برای حفظ خود در منطقه تحت نفوذش اعلام کرده که استاندارد دولت است.

■ **اگر اراده‌ای جدی از سوی دولت برای مبارزه جدی با پدیده موادمخدر در افغانستان وجود ندارد، سرنوشت کمک‌های خارجی چه خواهد شد؟**

مساله موادمخدر را با برخورد‌های رونمایی و به سادگی نمی‌توان در افغانستان حل و فصل کرد. در حال حاضر حاکمیت مرکزی در کلیل آلوده به درآمد‌های سرشار تولید و صدور موادمخدر هستند. بسیاری از وزرای کابینه در کار تجارت موادمخدر فعال هستند. بنابراین برای برخورد با این مساله باید شاهد تغییرات گسترده در ساختار قدرت باشیم که در پس آن امکان شکل‌گیری اراده‌ای جدی برای کنترل موادمخدر در افغانستان وجود داشته باشد. امروز و بر اساس آمار رسمی، طی چهار سال گذشته میزان کشت خشکشاخ چهاربرابر شده است. به طوری که مناطقی در شمال افغانستان که پیشتر زیر کشت خشکشاخ نبوده‌ام هم امروز تولیدکننده شده‌اند. اگر کشوروز افغان خشکشاخ نکارد، چرخ زندگی‌اش نمی‌چرخد. بنابراین اگر کشت‌های جایگزین در افغانستان پرسود نباشند، کشت خشکشاخ به همین روال ادامه خواهد یافت. مساله مهم دیگر این است که تولید و فروش موادمخدر در افغانستان به مثابه یک تجارت عادی است و به لحاظ فرهنگی و دینی حرام نیست. اگر امکان وجود خشونت جنگ وجود دارد و این به نفع هیچ‌کسی نیست. اما باید به این مساله نیز توجه داشت که بیرون‌آوردن افغانستان از این شرایط تنها با انجام مذاکرات صلح و کمک مالی امکان‌پذیر نیست. مساله اصلی افغانستان توسعه اقتصادی است.

■ **مساله نفوذ و عمق فساد در دستگاه‌های دولتی افغانستان از طریق تقویت بنیه اقتصادی و ایجاد اشتغال برای مردم است که آنها دست از حمایت طالبان خواهند کشید. بخش اعظم اقبال مردم به طالبان به دلیل دلارهای تزریقی طالب‌ها به مردم است. حتی عمده جذب نیرو توسط طالبان نیز دلایل اقتصادی دارد. اگر کار آفرینی و اشتغال در مناطق مختلف افغانستان وجود داشته و نیروی انسانی در منطقه خود منافع داشته باشد، مردم دیگر چشم به دلارهای طالبان نخواهند داشت و از سوی دیگر اجازه نمی‌دهند که طالبان امنیت محل زندگی آنان را ناامن کنند.**

به نظر می‌رسد یک اراده بین‌المللی برای ایجاد یک تغییر بزرگ در افغانستان وجود دارد. به هر حال هم‌اکنون افغانستان به محل صدور تروریسم دنیا تبدیل شده و این برای کشورهای صاحب قدرت و همچنین غربی‌ها خطرناک است. به این ترتیب است که توجه دنیا هم‌اکنون به افغانستان جلب شده است. از سوی دیگر دنیا متوجه این مساله شده که کمک‌های مالی بدون استقرار صلح پایدار نمی‌تواند تغییر قابل توجهی در افغانستان وجود بیاورد. تا زمانی که افغانستان فقیر است، مساله موادمخدر و امکان وجود خشونت جنگ وجود دارد و این به نفع هیچ‌کسی نیست. اما باید به این مساله نیز توجه داشت که بیرون‌آوردن افغانستان از این شرایط تنها با انجام مذاکرات صلح و کمک مالی امکان‌پذیر نیست. مساله اصلی افغانستان توسعه اقتصادی است. از طریق تقویت بنیه اقتصادی و ایجاد اشتغال برای مردم است که آنها دست از حمایت طالبان خواهند کشید. بخش اعظم اقبال مردم به طالبان به دلیل دلارهای تزریقی طالب‌ها به مردم است. حتی عمده جذب نیرو توسط طالبان نیز دلایل اقتصادی دارد. اگر کار آفرینی و اشتغال در مناطق مختلف افغانستان وجود داشته و نیروی انسانی در منطقه خود منافع داشته باشد، مردم دیگر چشم به دلارهای طالبان نخواهند داشت و از سوی دیگر اجازه نمی‌دهند که طالبان امنیت محل زندگی آنان را ناامن کنند.

پازل اقوام افغانستان

آرمان محمودیان

■ انفجار، شورش، کودتا، عملیات انتحاری، عباراتی است که همچون سایه به‌دنبال نام افغانستان می‌آیند، اما چارایی این‌ها خود، هزارویک‌شبی است. افغانستان از یک سو پناهسگاه بنیادگرایی بوده و از سوی دیگر صحنه نبرد برق‌رترها اما نمی‌توان عوامل خارجی را تنها دلیل ناآرامی‌های افغانستان دانست، ساختار قومی افغانستان نیز خود مزید علت است. اقوام افغانی که خود نیز منشأ واحد ندارند، بارمانده ژنادهای سفید و زرد هستند؛ تفاهتی که همواره مانع از ایجاد یک حس همدلی فراگیر در افغانستان شده است. یکی از مصایب این تنوع قومی، ریاست انحصاری پشتون‌ها بوده است. آنها پرجمعی‌ترین قوم افغانستان هستند و تقریباً حدود ۳۰درصد از کل جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند، زبان این قوم، پشتو است. این طایفه اکثراً سنی هستند و از نظر مذهبی تأثیرپذیری قابل توجه‌ای از مدارس علمیه پاکستان دارند؛ از این روی به سختی تن به اصلاحات اجتماعی می‌دهند، همین تأثیرپذیری باعث ترویج بنیادگرایی شده است. ناحیه آنان از بزرگ‌ترین پایگاه‌های اجتماعی بنیادگرایی بوده است و هنوز هم در برخی از نواحی از طالبان تأثیرپذیری دارند. اما بین خود پشتون‌ها نیز اختلافات شدیدی است. افغانستان سال‌ها صحنه رقابت خدائاتی آنها بوده است زیرا از لحاظ ساختار درون‌قومی به دو طایفه بزرگ «غلزایی یا غلج‌هایی» و «درانی یا ابدالی» منشعب می‌شوند که از دیرزمانی رقابت بر سر قدرت، میان‌شان وجود داشته است، همین امر موجب جنگ‌های قومی متعددی شده است. این نوع حکومت‌داری انحصاری و رقابت خانوادگی اقوام دیگر را تحت فشار گذاشته و باعث شده است که آنها دورانی طولانی را به انسوا روی آورند. در این بین هزاره‌ها که تقریباً ۲۵درصد از کل جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند، بیشترین آسیب را دیده‌اند زیرا از یک سو پیرو مذهب شیعه اثنی‌عشری هستند و از سوی دیگر زاندا آنها ایرانی‌غولایی است و فارسی‌زبان بودن و اشتیاق نداشتن به صحبت با زبان پشتو خود نیز مزید علت شده است. بیشترین میزان مهاجرت از افغانستان به هزاره‌ها اختصاص دارد. عدای از هزاره‌ها به دلیل شیوه حکومت قوم گرایانه امیر عبدالرحمن خان، در سال‌های ۱۲۵۷ تا ۱۲۸۰ ترک‌میهن کرده‌اند و در خراسان ایران و بلوچستان پاکستان اقامت کردند. هزاره‌ها از نظر فرهنگی تأثیرپذیری شدیدی از ایرانیان دارند. از این قوم میلیون‌ها نفر در ایران زندگی کرده‌اند و چندین نسل‌شان با ایران تربیت شده است. از همین‌رو نوع فرهنگ ایرانی در مناطق هزارمنشین نمایان است تا جایی که می‌توان نسلنامه‌ای آن را از رشد میزان مهریه تا نوع پوشش و لباس آنها دید. درس خواندن در ایران، زندگی کردن چند نسل از آنان در ایران و آشنا شدن با فرهنگ ایرانی باعث شده است که این قوم مقاومت کمتری برابر اصلاحات اجتماعی داشته باشد و بیشترین میزان مشارکت زنان در صحنه سیاسی و اشتغال مربوط به قلمرو این قوم است. البته هزاره‌ها بدون دوست هم نبوده‌اند. تاجیک‌ها به لحاظ موقعیت اجتماعی و سیاسی، سومین گروه قومی محسوب می‌شوند و جمعیت ۲۰/۶درصد جامعه را تشکیل می‌دهند و همواره ائتلافی ضمنی با هزاره‌ها داشته‌اند. آنان از یک سو با تکلم به زبان فارسی و آمیزه‌ای از مذاهب سنی و شیعه بودن، رابطه خوبی با هزاره‌ها داشته‌اند و از سوی دیگر وجود قبایل پشتون یعنی رقیبی مشترک که حاضر به سهم‌دان نیست آنها را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک کرده است. هرچند که اشتراک هر دو قوم از تأثیر پذیرفتن از فرهنگ ایرانی اهمیت قابل توجه‌ای دارد. شاید بتوان تها‌ترین قوم افغان را ازیک‌ها دانست که از اقوام ترک‌تبارند. آنها حدود ۲۰درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. از نظر سیاسی، اینان نیز چون دیگر اقوام از حکومت محروم بوده و همواره تحت فشار قرار داشته‌اند. به همین علت در فقر و محرومیت می‌زیسته‌اند. اکثریت این قوم سنی‌مذهباند، ازیک‌ها به خاطر پرکردگی جغرافیایی و تنوع قومی داخلی همواره به‌دنبال انتلاف با سایر اقوام بوده‌اند. آنها در دورانی از نزدیکیان احمد شاه مسعود محسوب می‌شدند و در دورای دیگر پارای دیگر از آنان از ابراهای حکومت بنیادگرایان بودند.

عکس: آیدین رهبر شرق

بنشیند اما هر آن به دنبال روزنه‌ای برای کسب همه قدرت است و برای این مساله ادعای تاریخی و مذهبی قوی ایدئولوژیک دارد. نگاه طالب در نهایت حکومت بر سراسر جغرافیای افغانستان و کسب قدرت مرکزی است.

■ **آیا فادرالیسم در افغانستان قابل اجراست؟**

عبدالله‌عبدالله نامزد ریاست‌جمهوری افغانستان، بیشتر به‌این مساله پرداخته بود و سعی داشت نظام ریاستی را در افغانستان برهم بزند. به نظر من، اما فدرالیسم پیش‌درآمد تجزیه افغانستان خواهد بود. در افغانستان‌ای امکان جدایی بلوچ‌ها و پشتون‌ها و سایر اقوام به صورت بالقوه وجود دارد. در حال حاضر و با شرایط کنونی نیاز به یک دولت مرکزی سالم و مقتدر دارد و فدرالیسم نمی‌تواند راهکاری مناسب جهت حل و فصل مشکلات امروز افغانستان باشد.

■ **طی سال‌های متدای و طولانی جنگ‌های خارجی و داخلی در افغانستان، زنان و کودکان قربانیان اصلی بوده‌اند، نحوه برخورد طالبان با زنان نیز مشخص و روشن است.**

در حال حاضر و پس از سقوط طالبان، زنان در افغانستان مناصبی قرار دارند و دست‌کم رسانه‌ها حضور آنها را به نمایش می‌گذارند

سی و سه سال تجربه در امر تولید فیلم های سینمایی و تلویزیونی
تقدیم به علاقمندان ورود به عرصه سینمای حرفه ای

هنرکرده سینمایی فخر

فیلمسازی (کارگردانی، فیلم نامه نویسی، سناریوس الوند
بازیگری مقابل دوربین، فریدون چیرانی
کارگاه بازیگری، حامد بهداد – بهاره رهنما
حرکت و بدن، حامد نصرآبادیان
فن بیان، آرش دادگر
و دیگر اساتید برجسته دانشگاهی کشور

دوره بازیگری کودک و نوجوان ویژه نابینان

۸۸۳۲۲۴۵۴-۸۸۳۲۲۳۶۳
اولین دارنده لوحیانه مدیریت کیفیت ISO 9001 2000
مرکزآموزش رشته های تخصصی سینما از آمریکا

www.sharghnewsaper.ir